

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

نهج البلاغه

ساده زیستی

پایه یازدهم

دوره دوم متوسطه

ویژه مرحله آموزشی مسابقات نهج البلاغه



وزارت آموزش و پرورش
معاونت پرورشی و فرهنگی
اداره کل قرآن، عترت و نماز

افزون طلبی، تجمل پرستی و زندگی تشریفاتی خطرات بزرگی هستند که سعادت آدمی را ناگهان به سمت نابودی سوق می‌دهد و دنیا و آخرت او را به تباهی می‌کشاند و انسان را از هدف اصلی آفرینش غافل می‌سازد. پابندی به تشریفات و تجملات و رنگارنگ بودن زندگی مثل نوشیدن آب شور توسط فرد تشنه و مانند اعتیادی است که هر لحظه وابستگی به آن رو به افزایش است و وسوسه‌ای دردسر انگیز که افزون بر سلب موفقیت‌های معنوی و کمالات اخروی از انسان، مانعی بزرگ و سدّی مزاحم در مسیر موفقیت‌های دنیوی نیز است.

برخی روایات، دنیا را به دریایی موج‌شبه ساخته‌اند که هزاران هزار تشنه به سراغ آن رفته و لحظه به لحظه بر تشنگی آنان افزوده است و سرانجام در این دریای آدم‌خوار غرق و برای ابد محو می‌شوند.

بی‌تردید منظور از امثال این روایات، افزون‌طلبی‌ها و تجمل‌پرستی‌های جاهلانه است که چون سرابی گشوده با جلوه‌ی دروغین خویش دسته‌دسته ناآگاهان را از راه منحرف ساخته و به سوی خویش جذب نموده و سرانجام بدون آن که به آبی برسند، آن‌ها را نابود کرده است. با مطالعه‌ی زندگی مخترعان و دانشمندان موفّق و بزرگ مشاهده خواهید نمود که یکی از رموز پیشرفت آنان، ساده‌زیستی و عدم وابستگی آنان به مادیات بوده است؛ چراکه اگر هوا و هوس‌ها بال و پر آنها را می‌بست، به این افتخارات دست نمی‌یافتند.

۱- ساده زیستی امام خمینی (ره) بزرگ‌ترین نقش‌آفرینی را در جذب قلوب تشنگان جهان اسلام داشت. وقتی در نجف عده‌ای به دیدار امام رفته بودند، در بین ملاقات‌کنندگان، یک تازه مسلمان آمریکایی که زودتر از ورود امام راحل، در داخل خانه امام حاضر شد؛ تصوّر این شخص این بود که محل زندگی امام خمینی (ره) به عنوان رهبر عظیم‌الشان جهان تشیع حتماً باید بزرگ و دارای کاخ، باغ و تشریفات آنچنانی باشد؛ اما وقتی به منزل امام می‌رسد و می‌بیند که خانه‌ی امام خمینی (ره) بسیار کوچک و محقر است، شروع به گریستن می‌کند و می‌پرسد: آیا خانه‌ی امام خمینی (ره) همین است؟ وقتی جواب «بله» می‌شود، تا لحظه‌ی آمدن امام به منزل گریه می‌کند.

۲- اگر گاندی، دنیاپرست و هوس‌باز و مجذوب تجملات و زندگی رنگارنگ بود، هرگز نمی‌توانست ملت بزرگ هند را از زنجیر اسارت دیرین برهاند.

با نگاهی به خطبه‌ها و نامه‌های امام علی علیه السلام در نهج البلاغه در می‌یابیم این امام همام، ساده و بی‌تکلف زندگی می‌کردند و ساده زیستی را که سرچشمه‌ی آسایش و پیشرفت است با کلام خویش به ما می‌آموزند و از این حقیقت سعادت بخش گاهی به لفظ «اقتصاد» در زندگی و گاهی به واژه‌ی «قناعت» و گاهی در مورد آن تعبیر «رضا به حدّ کفاف»، به کار برده‌اند و بدین گونه فلسفه‌ی ساده زیستی را با حکمتی استوار و دلایلی آموزنده برای انسان‌ها بیان می‌فرمایند.

امام علی(ع)؛ پاسدار ساده زیستی

امام علی (ع) به شدت پاسدار ساده زیستی بود و درباره‌ی خویش می‌فرمود:

«أَفْعُ مِنْ نَفْسِي بِأَنْ يُقَالَ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ؟ وَ لَا أُشَارِكُهُمْ فِي مَكَارِهِ الدَّهْرِ، أَوْ أَكُونَ أَسْوَأَ لَهُمْ فِي جُشُوبَةِ الْعَيْشِ!» «آیا بدین بسنده کنم که مرا امیرمؤمنان گویند و در ناخوشایندی‌های روزگار شریک آنان نباشم؟ یا در سختی‌های زندگی برایشان آنان نمونه نباشم؟» (نهج البلاغه، نامه: ۴۵). امیر مؤمنان ساده زیستی را پیشه ساخت و آن را به عنوان یک ارزش و مواسات با هموعان خویش و همچنین تکلیف و وظیفه‌ای بر دوش زمامداران پاس می‌داشت.

«وَ اللَّهُ لَقَدْ رَفَعْتُ مِدْرَعَتِي هَذِهِ حَتَّى اسْتَحْيَيْتُ مِنْ رَاقِعِهَا، وَ لَقَدْ قَالَ لِي قَائِلٌ أَلَا تَنْبِذُهَا عَنْكَ فَقُلْتُ اغْرُبْ عَنِّي فَعِنْدَ الصَّبَاحِ يَحْمَدُ الْقَوْمُ السُّرَى». «به خدا سوگند آن قدر این پیراهن خود را وصله زده‌ام که از وصله زنده‌ی آن شرم دارم. کسی به من گفت: چرا این لباس کهنه را بیرون نمی‌اندازی؟ گفتم: از من دور شو، صبحگاهان، رهروان شب ستایش می‌شوند(نهج البلاغه، خطبه: ۱۶۰).

شاید این جمله ناظر به این معنی باشد که وقتی حقایق روشن شود، دیگران ارزش کار امام را می‌فهمند.

آن حضرت در جایی دیگر یکی از فواید ساده زیستی رهبران را بیان داشته است و می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَنِي إِمَامًا لِخَلْقِهِ، فَفَرَضَ عَلَيَّ التَّقْدِيرَ فِي نَفْسِي وَ مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي وَ مَلْبَسِي كَضِعْفَاءِ النَّاسِ، كَيْ يَتَّقِدِي الْفَقِيرُ بِفَقْرِي، وَ لَا يَطْغَى الْغَنِيُّ بِغِنَاهُ» «خداوند مرا پیشوای خلقش قرار داده و بر من واجب کرده است که درباره خودم و خوراک و پوشاکم مانند مردمان ناتوان عمل کنم تا فقیر به سیره‌ی فقیرانه من تأسی کند و ثروت مند به وسیله‌ی ثروتش سرکشی و طغیان نکند» (کافی، جلد ۱ صفحه: ۴۱۰).

امام که نمونه‌ی عالی بی‌رغبتی به دنیا و ساده‌زیستی است، خویشتن را به عنوان الگو معرفی می‌کند و می‌فرماید: «بدانید که هر پیروی را امامی است که او را الگوی خود می‌شناسد و از نور دانشش روشنی می‌گیرد، بدانید که امام شما از دنیای خود به دو لباس پاره و از خوردنی‌هایش به دو قرص نان بسنده کرده است» (نهج البلاغه، نامه: ۴۵).

الگوهای معرفی شده در راستای ساده‌زیستی در نهج البلاغه

ساده‌زیستی در زندگی پیامبران الهی، جلوه‌ی خاصی دارد. سادگی و بی‌پیرایگی آنان در رفتار، معاشرت، نشست و برخاست و وجوه‌گوناگون زندگی، هرآزادمنشی را شیفته آنان می‌کند. پیامبران الهی ساده‌زیستی را از همه نظر پاس می‌داشتند و از جلال و شوکت ظاهری بیزار بودند. همین ساده‌زیستی بود که دل‌ها را لبریز از محبت و دوستی آنان می‌ساخت. آنان دل‌ها را پُر می‌کردند، نه با دبدبه‌های ظاهری، بلکه با شوکت و جلال که توأم با سادگی بود. امیرمؤمنان (ع) در کلام خویش به زندگی زاهدانه‌ی چندتن از پیامبران الهی که سرمشق صالحان هستند، اشاره می‌کنند تا آشکار شود این یک برنامه همگانی در زندگی رسولان الهی بوده است. همه‌ی پیامبران الهی از این نظر برای امت‌های خود الگو و اسوه بوده‌اند.

الف) پیامبر اکرم (ص)

الگوپردازی یکی از روش‌های تربیتی است که برحسب نیاز فطری انسان و همانندسازی و الگوپذیری از همان زمان کودکی آغاز می‌شود. هرچه این الگو مناسب‌تر و کامل‌تر باشد، آدمی را در راه رسیدن به کمال مطلوب بیشتر یاری می‌رساند؛ همانگونه که امام می‌فرماید: "وَلَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ (ص) كَافٍ لَكَ فِي الْأُسْوَةِ وَ دَلِيلٌ لَكَ عَلَى الدُّنْيَا وَ عَيْبِهَا..." "برای تو کافی است که راه و رسم زندگی پیامبر اسلام را اطاعت نمایی، تا راهنمای خوبی برای تودر شناخت بدی‌ها و عیب‌های دنیا و رسوایی‌ها و زشتی‌های آن باشد (خطبه ۱۶۰ نهج البلاغه).

امام علی(ع) در خطبه ۱۶۰ در بیش از ۲۵ سطر، فقط به جزئیات سیره و روش پیامبر برای الگو پذیری از آن شخصیت الهی اشاره می کنند و به طور قابل ملاحظه ای جذابیت و ملموس بودن الگو پذیری از ایشان را در ذهن مخاطب افزایش می دهند.

« فَتَأْسَ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ، فَإِنَّ فِيهِ أَسْوَأَ لِمَنْ تَأْسَى وَ عَزَاءَ لِمَنْ تَعَزَى، وَ أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمُتَأْسَى بِنَبِيِّهِ... ».

«پس به پیامبر پاکیزه و پاکت اقتدا کن، که راه و رسم او الگویی است برای الگو طلبان و مایه‌ی فخر و بزرگی است برای کسی که خواهان بزرگواری باشد و محبوب ترین بنده نزد خدا کسی است که از پیامبرش پیروی کند و گام بر جایگاه قدم او نهد.

پیامبر از دنیا چندان نخورد که دهان را پر کند... و همانا پیامبر بر روی زمین می نشست و غذا می خورد و چون برده‌ی ساده می نشست و بادست خود کفش خود را وصله می زد... و همواره دوست داشت تا جاذبه های دنیا از دیدگانش پنهان ماند... پس پیروی کننده باید از پیامبر پیروی کند، و به دنبال او راه رود، و قدم بر جای قدم او بگذارد و گرنه از هلاکت ایمن نمی باشد».

ب) حضرت داوود (ع)

امام علی(ع) سپس در ادامه خطبه‌ی فوق به سراغ زندگی زاهدانه حضرت داوود (ع) می رود و چنین می فرماید:

«وَ إِنْ شِئْتَ ثَلَّثْتَ بِدَاوُدَ (ع) صَاحِبِ الْمَرَامِيرِ وَ قَارِيِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَلَقَدْ كَانَ يَعْمَلُ سَفَائِفَ الْخُوصِ بِيَدِهِ وَ يَقُولُ لِجُلَسَائِهِ أَيُّكُمْ يَكْفِينِي بَيْعَهَا وَ يَأْكُلُ قُرْصَ الشَّعِيرِ مِنْ ثَمَنِهَا». «صاحب نی های نوازنده، و خواننده‌ی بهشتیان را الگوی خویش سازی، که با هنرستان خود از لیف خرما زنبیل می بافت و از هم نشینان خود می پرسید چه کسی از شما این زنبیل را می فروشد و با بهای آن به خوردن نان جوی قناعت می کرد».

ضرورت ساده زیستی کارگزاران

نهادینه شدن ساده زیستی در جامعه به عنوان یکی از ارزش‌های اخلاقی، نیاز به فراهم شدن بستر و زمینه‌ی مناسب دارد که مهم‌ترین آنها ساده زیستی مسئولان جامعه است. یکی از عواملی که در ساده زیستی مردم مؤثر است، بی‌پیرایه بودن زندگی رهبران و کارگزاران و الگوهای جامعه است. پیروی از زندگی کسانی که نقش هدایت و راهنمایی را بر دوش دارند و الگوپذیری از آنان، موضوعی است که در آموزه‌های دینی و روان‌شناسی مورد توجه قرار گرفته است. از امام علی (ع) نقل شده است که فرمودند: «الْأَنْسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ»؛ «مردم به حاکمان خود شبیه‌ترند تا به پدرانشان» (تَحْفُ الْعُقُول، صفحه: ۲۰۸). این سخن شیوا و پرمغز نشان‌دهنده‌ی تأثیر بالای سبک زندگی و اخلاق حاکمان و مدیران بر عامه مردم دارد؛ پس اگر ساده‌زیستی خلق و خوی کارگزاران باشد، جامعه نیز به همان سمت پیش خواهد رفت.

اهمیت رعایت ساده زیستی توسط مسئولان و دوری از تجملات تا آن‌جاست که امام (ع) با وجود تمام گرفتاری‌های یک حاکم سیاسی و دینی، به منش کارگزاران خود در این زمینه توجه می‌نماید، و کوچک‌ترین کجروی آنان در این زمینه را تذکر می‌دهند؛ تا جایی که حتی به خاطر شرکت در یک میهمانی نامناسب و مخصوص ثروتمندان، بر کارگزار خود خرده گرفته و با نامه‌ای صریح و منتقدانه، نصایح متفاوتی را به وی گوشزد نموده‌اند. کاری که شاید در هیچ جای دنیا معمول نبوده و نیست.

از این قبیل نامه‌های امام به کارگزاران کم نیست و همگی نشان می‌دهد که امام، نهایت عدالت و تدبیر خویش را در امر کشورداری رعایت کرده است.

نامه ۴۵ نهج البلاغه

نامه ۴۵ نهج البلاغه از نامه‌های بسیار مهم است که به همه پویندگان راه حق به ویژه زمامداران و مسئولان کشورهای اسلامی درس‌های فراوانی آموزش می‌دهد که شامل چند بخش می‌باشد:

۱. ساده زیستی کارگزاران و هشدار امام (ع)

ابتدا امام به مخاطب خود که عثمان بن حنیف فرماندار بصره است، خبر می‌دهد که گزارش شرکت او در مهمانی یکی از اشراف بصره به او رسیده است. یک مهمانی که فقط ثروتمندان حضور داشتند و سفره‌ای پر نعمت و رنگارنگ گسترده شده است! حضرت او را به خاطر شرکت در چنین ضیافتی سرزنش می‌فرماید:

«أَمَّا بَعْدُ يَا ابْنَ حُنَيْفٍ فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَأْذِبَةٍ فَأَسْرَعْتَ إِلَيْهَا تُسْتَطَابُ لَكَ الْأَلْوَانُ...».

اما بعد (از حمد و ثنای الهی) ای پسر حنیف! به من گزارش داده‌اند که مردی از جوانان (ثروتمند و اشرافی) اهل بصره تو را به سفره‌ی رنگین میهمانی خود فراخوانده و تو نیز (دعوتش را پذیرفته‌ای و) به سرعت به سوی آن شتافته‌ای در حالی که غذاهای رنگارنگ و ظرف‌های بزرگ طعام یکی از پس از دیگری پیش روی تو (به وسیله خادمانش) قرار داده می‌شد.

۲. ساده زیستی پیشوا و رهبر

در بخش دوم به او یادآور می‌شود که هر فردی باید در زندگی پیشوا و رهبری داشته باشد، آن گاه زندگی خویش را به عنوان پیشوا و رهبر برای او شرح می‌دهد که چگونه به دو جامه کهنه و دو قرص نان اکتفا نموده و در ادامه می‌فرماید: «من انتظار ندارم که همچون من زندگی کنید، ولی ساده زیستی و تقوا را فراموش نکنید».

«أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يُقْتَدَى بِهِ وَ يَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ أَلَا وَ إِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اِكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمْرِيْهِ ...».

«آگاه باش! هر مأمومی امام و پیشوایی دارد که باید به او اقتدا کند و از نور دانش او بهره گیرد. (تو باید به امام و پیشوای خود نگاه کنی) بدان! امام شما از دنیایش به دو جامه کهنه و از غذاهایش به دو قرص نان قناعت کرده است».

۳. ساده زیستی و همدلی رهبر جامعه با ضعفا

دربخش بعدی به این نکته مهم اشاره می‌فرمایند که ساده زیستی من از این نیست که امکان برخورداری از مواهب مادی را ندارم. بلکه به آن دلیل است که وظیفه‌ی رهبری مردم را به عهده دارم و ایجاب می‌کند که در سختی‌ها با ضعیف‌ترین مردم شریک باشم. توجه به این سخن امیر مؤمنان، علاوه بر آن که نشان‌دهنده‌ی زهد امام می‌باشد، حاکی از تدبیر حضرت در امر حکومت نیز هست؛ چراکه رعایت زندگی اقشار ضعیف از سوی حاکمان، نوعی رضایت از حکومت را در مردم به وجود می‌آورد که این خود ضامن بقای حکومت است.

۴. ساده زیستی و سلامت تن

در بخش دیگر به این سؤال پاسخ داده می‌شود که ممکن است بعضی بگویند اگر علی بن ابی‌طالب چنین غذای ساده‌ای داشته باشد، باید چنان ضعیف باشد که نتواند در میدان جنگ شجاعت‌ها نشان دهد! ولی آگاه باشید درختان بیابان که از آب و غذای کمتری استفاده می‌کنند چوب‌های محکم‌تری دارند و درختان سرسبز که همواره در کنار آب قرار دارند پوست نازک‌تری است بنابراین پرخوری دلیل بر قوت و قدرت نیست.

۵. ساده زیستی و سلامت روح

و در آخرین بخش این نامه، پیشوای پرهیزگاران، دنیا را مخاطب قرار داده و آن را به شدت از خود می‌رانند. آن‌گاه پس از ستایش کسانی که مسئولیت واجب خود را در پیشگاه الهی انجام داده و به عبادت و شب‌زنده‌داری می‌پردازند؛ بار دیگر عثمان بن حنیف را مخاطب قرار داده و او را به تقوای الهی و ساده زیستی فرا می‌خواند تا از آتش دوزخ رهایی یابد.

باید توجه داشت که گرایش به تجملات و دنیادوستی قدم به قدم است، به‌عنوان مثال از شرکت در یک مهمانی نامناسب شروع شده و به فساد اقتصادی و حق‌الناس منجر می‌شود و این‌گونه، نتیجه‌اش دوزخ می‌شود. این مسئله برای کارگزاران خطرناک‌تر است؛ چرا که آنان از موقعیت‌ها و امکاناتی برخوردارند که می‌تواند زمینه‌ی فساد گسترده و تباه شدن حق بسیاری از مردم را فراهم سازد.

گرچه ساده زیستی برای آحاد جامعه، یک ارزش محسوب می شود اما برخورداری از این ویژگی برای پیشوایان و مدیران جامعه، یک ضرورت است. امام علی می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَى أُمَّةِ الْعَدْلِ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرُهُ». «خدای متعال بر پیشوایان دادگر واجب کرده است که خود را با مردم ناتوان برابر قرار دهند تا رنج فقر، مستمندی را ناراحت نکند» (نهج البلاغه، خطبه: ۲۰۹).

فلسفه‌ی سلوک ساده‌زیستانه، آزادی از اشرافیت برای خدمت و همراهی و همدردی با مردم ناتوان و درک ملموس زندگی آنان، و تلاش برای برپاداشتن عدالت و رفاه برای مستمندان و بازداشتن توانگران از طغیان است.

ساده‌زیستی از لوازم حکومت حکیمانه است. پیشوای پارسایان، علی (ع)، سلوکی چنین را بر حاکمان فرض دانسته است.

الگوها زمانی می‌توانند رسالت خود را به‌درستی انجام دهند که نسبت به مسئولیت خود حساسیت لازم را داشته باشند. امیرمؤمنان علی (ع) مسئولیت الگو بودن در منصب زمامداری مردمان را در همه‌ی وجوه خطیر می‌دانست و تأکید داشت که زمامداران در نهایت سادگی زندگی و سلوک کنند.

در آنچه از سخنان حضرت علی (ع) یاد شد، راز عظمت مطلب و فلسفه‌ی ساده‌زیستی و حکمت گوناگون آن بیان گردید که در زیر به برخی از آن اشاره می‌شود:

۱) از نتایج بزرگ ساده‌زیستی تکیه نمودن به خویش و استقلال در تمام زمینه‌هاست زیرا جامعه‌ای که به اشرافی‌گری و اسراف عادت کند و همچنان تجمل‌گرایی را پیشه سازد، به ناچار روزی محتاج دیگران خواهد شد و به ناگزیر دست نیاز خویش را به سوی بیگانگان دراز خواهد کرد و حیثیت و شرافت و استقلال خویش را به خطر خواهد انداخت.

۲) یک فرد ساده‌زیست و قانع هیچ وقت به سختی و بینوایی دچار نمی‌گردد و فقر و فلاکت را تجربه نمی‌کند.

۳) در پرتو ساده زیستی است که آسایش و راحتی انسان فراهم می‌آید، مگر نه این است که همواره انسان به دنبال راحتی و آسایش می‌گردد تا در پناه آن به زندگی آرام و شرافتمندانه‌ای دست یابد.

۴) چهارمین نتیجه‌ی ساده زیستن، راه یافتن به پاک‌ی و پاکیزگی و دوری از آلودگی‌ها و پلیدی‌هاست، زیرا کسی که افزون‌طلب بوده و از مرز قناعت بگذرد، همه‌ی ثروت دنیا او را سیر نخواهد کرد و در راه به‌دست آوردن زندگی هرچه رنگین‌تر و ثروت هرچه بیشتر، به انواع آلودگی‌ها رشوه، اختلاس، دروغ و... دچار خواهد شد.